

## رولد



(۱۹۹۰ - ۱۹۱۶)

## دال

Peter Hunt

شهرام اقبال زاده (رازآور)

در واقع، هر چند در داستان «جادوگرها»<sup>۱</sup> منتشر شده به سال ۱۹۸۳، جادوگرهای وحشتناک شریر لزوماً زن هستند، اما همت راوی آن است که تبعیض جنسی را نفی و انکار کند و کتاب، یک شخصیت زن بسیار قوی را در سیمای مادر بزرگ، به تصویر کشیده است.

اما با وجود چنین منطقی، واقعیتی که در حاشیه کتاب‌های کودک و نوجوان دال، قرار دارد - که شهرت جهانی دارند - آن است که وی نویسنده داستان‌های کوتاه شرارت باری است که به زوایای تاریک و سیاه سرشت انسان، پرداخته است (که در دو مجموعه «بوس، بوس»<sup>۲</sup> در سال ۱۹۶۰ و «۱- گذر ماده سگ ۲- شلاق پتیاره»<sup>۳</sup> در سال ۱۹۷۴ گردآوری و منتشر شده است. البته، داستان‌های کوتاه دیگری نیز دارد) که در واقع این امر، پیش از آن که او نویسنده کودکان شود، صورت گرفته است. آیا با چنین استنباطی از غریزه کودکانه، در زمینه حس نفرت و انتقام، تعصب و خشونت، به راستی می‌توان مدعی معصومیت شد؟

چنین هواخواهی گسترده‌ای<sup>۴</sup> که نسبت به اولین کتاب کودک دال، یعنی «جیمز و هلوی گول‌پیکر» انجام گرفت، در عین آن که به شدت تعجب‌آور است، [گذشته از متنی ادبی] معنای نهفته دقیق و منسجمی از حیث روان‌شناختی به دست داده که به کند و کاو درباره «خود» می‌پردازد که تحسین‌کنندگان او، هوشمندانه این نکته را مورد مذاقه قرار داده‌اند. به همان سان، مایه بسی تأسف است که سنجه‌های نقد ادبی درباره کتاب کودک، به گونه‌ای است که اولین موفقیت جدی دال در ادبیات کودک، یعنی داستان «چارلی و کارخانه شکلات‌سازی»<sup>۵</sup> منتشره به سال ۱۹۶۴، به دلیل جنبه آشوب‌گرانه و هرج و مرج خواهانه [آناشیک] آن، با استقبالی همراه با شادمانی توأم شد. در واقع، این یک داستان اخلاقی روشن و سراسر است که بی‌کم و کاست، در [ادبیات داستانی] قرن نوزده ریشه

ماست! [دال هم که از خودمان است] به راستی، مگر چند نفر آدم علاف مثل من در میانه هفتاد سالگی پیدا می‌شود که ول بگردد و لطیفه و چرت و پرت بگوید.»

(به نقل از «سایکس»<sup>۶</sup> ۱۹۹۱، صفحه ۸۲)  
این امر به شدت حیرت‌آور است که منتقدین دال، به دو دسته [ی متضاد] تقسیم شده‌اند؛ یعنی دسته‌ای که به هواخواهی از تظاهر «کودک محورانه» و آناشوی شادی‌آفرین او پرداخته و گروهی که عامیگری و سبکسری‌های شیطنت‌آمیز و رندانه او را سرزنش می‌کنند؛ زیرا کار و هنر دال برای کودکان و نوجوانان یکدست یا یکنواخت نیست، بلکه پر از شگفتی‌ها و نوآوری‌های - گاه نامعقول (هم‌چون رویدادهای مستقل یا ایپیزودیک در «بی. اف. ج.»<sup>۷</sup> سال ۱۹۸۲) و ترفندهای بدیع («زرافه، پلی [پلیکان؟] و من»، سال ۱۹۸۵) است که به نظر می‌رسد مورد غفلت و بی‌توجهی قرار گرفته‌اند.

بدون شک آشوب‌گری [آناشوی] و عامیگری که برای دوران کودکی امری طبیعی است، برای اقتدار بزرگسالان می‌تواند خطرناک باشد. از این رو بسته به اینکه شما در چه جایگاهی و موضعی قرار گرفته باشید، ممکن است آن را پدیده‌ای روح‌بخش و یا تهدیدکننده به شمار آورید. پاسخ دال به کسانی که وی را به خشونت، سلاسیسم [دگر آزاری] یا تبعیض جنسی متهم می‌کردند، بر آن بود که او نوعی کم‌دی و شوخ‌طبعی را در نوشته‌هایش تصویر می‌کند و از این رو، به سادگی چنین اتهاماتی را بی‌پایه می‌داند. نابودی عمه اسپانچ و اسپایسر در داستان «جیمز و هلوی گول‌پیکر»<sup>۸</sup> نوشته شده به سال ۱۹۶۱ و مرگ مادر بزرگ دیوانه «عفریته پیر»، «پیرزن مزخرف»، در داستان «داروی مبهوت‌کننده جرج»<sup>۹</sup> منتشر شده در سال ۱۹۸۱، از نظر دال، صرفاً از جنبه کارتون‌می‌تواند مطمح نظر قرار گیرد. این آثار، به قصد خنداندن نگاهشده‌اند و نه آن که زن‌ستیزی را به نمایش بگذارند.

به دشواری می‌توان بحثی جدی یا تجزیه و تحلیلی ژرف درباره کتاب‌های کودکان رولد دال یافت، بی‌آن که مجادله‌ای له یا علیه تفاوت‌ها و مرزبندی‌های عمیق بین ادبیات [خلاق] با فرهنگ عامیانه [و ادبیات عامه‌پسند] در گرفته باشد. دال را شاید بتوان موفق‌ترین نویسنده کودک و نوجوان جهان در قرن بیستم به شمار آورد. فروش آثار او حتی بسیار بیشتر از نویسنده پرکاری چون انید بلایتون<sup>۱۰</sup> است. چنین موفقیتی را تا حدود زیادی باید مرهون فرهنگ [عامه] به حساب آورد. هنوز بیشتر تفسیرهایی که درباره آثار او می‌شود، مبتنی بر احساساتی به دور از منطق است.

آن چه بر دشواری موضوع (و شاید هم غنای آن) می‌افزاید، این واقعیت است که دال، خود نه تنها نویسنده‌ای زبردست که یک تبلیغاتچی کاردان و مبتکر است، او خود را به عنوان شخصیتی خودرأی و یک‌دنده و پرتوقع نشان داده است. او به ندرت هوش سرشارش و اطلاعات پرپارش را در اختیار مصاحبه‌کنندگان [و خبرنگاران] زیر و زرنج قرار می‌داد. یکی از اظهار نظرهای نمونه‌وار او که در یکی از آخرین مصاحبه‌های خویش بیان کرده، برداشت وی را نسبت به کتاب‌های کودکان، دست کم برداشتی که او آرزوی تثبیت و ماندگاری آن را در سر می‌پروراند، تا حدود زیادی نشان می‌دهد:

«من همدلی و نزدیکی زیادی با بچه‌ها دارم. مشکلاتشان را درک می‌کنم. چنانچه بخواهید درک درستی از چند و چون دنیای کودک، در ذهن داشته باشید، باید داستان و زانوانتان را [دست کم] یک هفته، به اندازه آن‌ها خم کنید. آن‌گاه درخواهید یافت که اطرافتان پر از گول‌های ملعونی است که دائم به شما می‌گویند «این کار را بکن، آن کار را نکن!»... از این رو، به صورتی ناخودآگاه، این گول‌ها به دشمن بدل می‌شوند... هنگامی که من، مایلداً براساس این نظریه نوشتم... بچه‌ها با گرمی تمام از آن استقبال کردند. «وای خدای من، اونم که از خود



یا به عبارتی دیگر، آن چنان به چهره‌های انسانی بدل شده‌اند که شرارت آن‌ها، نه تنها جنبه تمثیلی و پندآموز به خود می‌گیرد، بلکه باسته است که انسان به شمار آیند. دال ادعا کرده بود که در واقع، بچه‌ها از این که می‌بینند به سادگی می‌توان انتقام گرفت، لذت می‌برند و هیچ‌گونه خطری هم از بابت این که آن‌ها پدیده‌های خیالی را با واقعی خلط کنند و گیج شوند، وجود ندارد. البته نوشته‌های خود او، دال بر چنین تغییر و تحولی بود؛ یعنی استعداد چشم‌گیر او در خلق آثار روان‌شناختی واقع‌گرایانه [realism Psychological]، جنبه فانتزی و تخیلی داستان را به پدیده‌های آشکارا دل‌آزار بدل می‌کرد. به عنوان مثال، مهارت‌هایی که در آفرینش مجموعه داستانی «بوس، بوس» به کار گرفته شده است، به روشنی اثری شدید و آزاردهنده بر خواننده می‌گذارد.<sup>۱۸</sup>

دارد؛ دست آخر بچه‌هایی که تنبل، خرفت و لوس هستند، سرانجامی متناسب با منش خود پیدا می‌کنند و به آدم‌هایی نق نقو بدل می‌شوند. در عوض، بچه‌های فقیر و پاکدامن پاداش می‌گیرند؛ آن‌ها نه فقط شکلات، بلکه کارخانه شکلات‌سازی! حضور جنون‌آسای آقای وانکا، نهایت تأثیر را به کتاب بخشیده است.

البته، در آثار دال، صحنه‌هایی نیز وجود دارد که خواننده ممکن است در عین آن که از خوانندش لذت می‌برد، به همان اندازه نیز دچار ناراحتی شود. از چنین صحنه‌هایی می‌توان قطعه‌ای از داستان بی. اف. جی [غول بزرگ مهربان] را درباره شیوه حکمروایی ملکه نقل کرد که باید ناباورانه به آن نگریست و خشم خود را فرو خورد.

او نشانه‌های آشکار از آرا و بیان روشنی است در باب منتهای نفرت دال [از چنین شخصیت‌هایی] که در کتاب‌های دیگرش نیز به نحوی به نمایش گذاشته است (زنان چاق، فروشندگان [و دلان] خودروهایی دست دوم، آموزگاران خودرای مدارس) و به طور کلی، تمامی شخصیت‌هایی که ذاتاً غیرقابل اعتمادند. «چارلی» مطمئناً اثری به شمار می‌آید که دال به عنوان حربه اصلی ایدئولوژیک خود، برای به نمایش گذاشتن آشوبگری آشکار و عمیق، به کار گرفته است (وروکا سالت، کوچولوی زبان بسته، تازه از معبر پرتاب زباله پایین رفته است) نکته این جاست که دال در عین گرایش‌های آنارشیک، در اصول به شدت محافظه‌کار است «می‌دانید که بچه نمی‌تواند خود را تباه یا تلف کند.»

«ملکه هم چنان به سوفی خیره شده بود. با دقت تمام به او چشم دوخته بود. دهانش کمی بازمانده و چشم‌هایش به اندازه دو نعلبکی گرد و گشاد شده بود و پهنای صورت دوست‌داشتنی و آشنا برای همه‌اش را حیرت و نابوری پوشانده بود.»

[تأکید از پیتر هانت] مشابه چنین صحنه‌های غریب و دور از ذهنی را می‌توان در «ماتیلدا»، منتشر شده در سال ۱۹۸۸ نیز یافت. در واقع، اثری که در کش و قوس، اختلافات بین دال و ویراستارش، یعنی استیون روکسبرو، چاپ و انتشارش تا آن هنگام به درازا کشیده بود. ما می‌توانیم ناپختگی و خام دستی دال را آن‌گونه که

پس از نگاشتن «چارلی»، مجموعه آثار دال، نشان‌دهنده آن چنان مهارت زبردستانه‌ای است که گویی او معدنی طلا یافته است و می‌داند که چگونه از ذخایر آن بهره‌برنده ببرد. «چارلی و آسانسور بزرگ شیشه‌ای»<sup>۱۹</sup> و داستان «خانواده ابله‌ها» ۱۵ چاپ سال ۱۹۸۰ را باید از آثار کمابیش بی‌هدف (و تا حدودی خشن و بی‌هوده) دال دانست که تنها مناسب قصه‌گوین برای خواباندن بچه‌هاست. در سایر آثار، مشکل بتوان این استدلال دال را پذیرفت که او تنها داستان‌های خنده‌دار خیالی می‌نویسد (گمان نمی‌رود کسی در مورد «خواهران بدترکیب»<sup>۲۰</sup>، هیچ‌گونه جدلی داشته باشد).



[واقعاً] بوده، ملاحظه کنیم. در همین نسخه و روایت یاد شده، دال لگام اندیشه و احساس خویش را رها می‌کند و بی‌پروا، هم والدین و هم بچه‌های بی‌ادب را، به باد انتقادی تند و تیز می‌گیرد و آن‌گاه فهرستی را با قاطعیت [تمام] به عنوان خوانندگی‌های ضروری، تدارک می‌بیند. او همانند سخنرانی آتشینش در «چارلی و کارخانه شکلات‌سازی»، علیه جویند آدماس، و [تماشای] تلویزیون (در میان چیزهای دیگر) کاری می‌کند که خوانندگان آزادمنش را احياناً بین پذیرش موازین اخلاقی و یا محکومیت آن در عمل، حیران و سرگردان می‌کند. توصیف او از طرز صحبت خانم ترانچبال با بچه‌ها، کاملاً غیرعادی و افراطی به نظر می‌آید؛ هر چند، گاه چنین توصیفی شوخی محض است، اتاقک شکنجه (به قول معروف «هلفدانی») و ماجرای زیاده‌روی و فشار در خوردن یک شکلاتی با بروس بوگنوتتر، به جنون دگرآزایی [سادیسیم] پهلو می‌زند.

از جمله مشکلاتی که در داستان‌های دال به چشم می‌خورد، می‌توان صحنه‌ای از ماتیلدا را بازگو کرد. در عین حال، این باور دال را نیز به خاطر داشته باشید که وی به نفوذ ادبیات آشکارا اعتقاد داشت؛ به ویژه ادبیاتی که به طور تمام‌عیار، اغواگر و وسوسه‌برانگیز باشد. خانم هانی لاغر - مردنی (که اگر از کارهای برجسته دال نباشد، از حیث تصویرگری از آثار برجسته کونتین بلیک Quentin Blake به‌شمار می‌آید)، ماتیلدا را که تربیت شده و دست پرورده خودش است، برای نوشیدن چای همراه می‌برد. ناگاه از محیطی مضحک و پر از لودگی، به محیط پرنشاط و شاعرانه روستایی وارد می‌شویم. دو صفحه تمام درباره تمشک‌های سیاه و پیرمرد ریشوی چشم‌میشی می‌خوانیم تا این که به دروازه منزل خانم هانی می‌رسیم؛ گویی دال، خود تحت تأثیر سمبلیسم چنین تصویری، افسون شده است:

«خانم هانی، دستش را بی‌حرکت روی دروازه قرار داد و گفت: همین جاست، من همین جا زندگی



### 7. James and the Giant Peach

### 8. George Marvellous Medicine

9. Witches که خانم شهلا طهماسبی آن را

ترجمه کرده است.

10. «Kiss, Kiss» و «Switch Bitch» که خانم

گیتا گرکانی، این مجموعه‌ها را در دست ترجمه دارد و نشر

نوروز هنر، آن را منتشر خواهد کرد. پیش از انقلاب، یک

مجموعه داستان از رولدالد را مترجم نامدار، «بهمن

فرزانه» ترجمه و انتشارات جاویدان منتشر کرد که استقبال

چندانی از آن نشد.

11. دانشگاه اصفهان نیز در یک مجموعه آموزشی

زبان انگلیسی، داستانی کوتاه از رولدالد را آورده بود. (م)

12. هواخواهی گسترده را در برابر Popular Port-

sup آورده‌ام. (م)

13. این کتاب را خانم شهلا طهماسبی ترجمه کرده

است. (م)

### 14. Wonka

15. این کتاب را نیز خانم شهلا طهماسبی، به

فارسی برگردانده است (م)

16. The Twits که آقای «میرعلی غروی» آن را

با عنوان «خانواده آقای ابله» ترجمه کرده است. (م)

### 17. Ugly Sisters

18. دختر من که علاقه شدیدی به آثار دال دارد،

پس از خواندن چند داستان از این مجموعه که بهمن

فرزانه، با عنوان «گوسفند قربانی» پیش از انقلاب ترجمه

کرده، شب دچار کابوس شد و دو روز بعد مرتب می‌گفت

«مرده‌شور دال را ببرند با این داستان‌هایش!!» و مجموعه

را ناتمام رها کرد!! (راز‌آور)

### 19. Stephen Roxborough

20. در کتاب تحقیقی بسیار اجداد «Language

and Controlin Children's Literature» نوشته

Murray Knowles, Kirsten Malmjar، آمده

است: «مورای ناولز، در تحقیق میدانی که در سال ۱۹۹۰ با

تهیه پرسشنامه انجام داد، چنین نوشته است:

«پاسخ‌های... دریافتی... نمایانگر محبوبیت بی‌چون و

چرای رولد در بین تمامی گروه‌های سنی، اعم از دختر و

پسر بود.»

۳۸ و L. a. c. I. c. L، مترجم کتاب را در دست

ترجمه دارد. (راز‌آور)

گذاشتن کودک و نوشتن و پرداخت فانتزی، به‌گونه‌ای که گویی عین واقعیت است، حس انتقام‌گیری را فرو می‌نشانند؛ آن هم با ابزارهایی درخشان و حتی هولناک و اغراق‌آمیز و شگردهایی تکان‌دهنده که بسیاری از نویسندگان دیگر نیز در بهره‌گیری از چنان شیوه‌هایی سهیم بوده‌اند و از جمله عوامل موفقیت دال بوده‌اند. از جمله کسانی که از چنین شیوه‌ای بهره گرفته، نویسنده اقلیمی نویسی و بی‌سرو صدها اینید بلایتون است.

همان‌گونه که بیشتر بررسی و عمده مشاهدات اخیر نیز نشان می‌دهد، دال با کتاب‌هایی کم‌تر از بیست داستان، بخش کودکان کتاب فروشی‌ها را به تصرف خویش درآورده است (و همواره نام نویسنده محبوب کودکان و نوجوانان را نیز به خود اختصاص داده) و چنین امری که در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ به وقوع پیوسته در نوع خود کاملاً بی‌سابقه بوده است. از نگارش «چارلی» تا «ماتیلدا»، سیر نزولی شگفت‌آور و به دور از هرگونه قاعده‌ای در سبک و نکته‌سنجی‌های هوشمندانه دال به چشم می‌آید. البته، برای منتقدین عامیانه‌نویس و یا مخاطبین عامه‌پسند، هرگونه سنت‌شکنی، نشانه تهور و نوآوری است. دال نه تنها [همواره] مشغول توطئه برای شوراندن بچه‌ها علیه بزرگسالان است، بلکه بزرگسالان از حیث فرهنگی خلع سلاح شده و فرودست را علیه بزرگسالان قدرتمند فرهنگی می‌شوراند که شاید چنین امری را بتوان نوعی شیدادی روان‌شناختی نابجا دانست.

باری، می‌توان گفت که دال، پیوسته مترصد تلفیق کار حرفه‌ای سرگرم‌کننده با نیازهای دوران کودکی (البته، مطابق الگوی خود) بود و احتمالاً آثار او پیامدها و دستاوردهای چشم‌گیری در زمینه روابط بین کودکان و بزرگسالان، به همراه داشته است. کتاب‌های دال، هم بازتاب و هم یاریگر تحولی ژرف در ادبیات کودک انگلیسی زبان بوده است.

### پانویس‌ها:

1. Roald Dahl

۲. پیتر هانت

۳. Enyd Blyton (۱۹۶۸ - ۱۸۹۷)، نویسنده

پرکار انگلیسی که بیش از ۴۰۰ کتاب نوشته و آثارش به ۹۳ زبان ترجمه شده است. او رمان، نمایش‌نامه، شعر و آثار غیرداستانی بسیاری نوشته که جزء آثار پرفروش ادبیات کودک است. آثار او ساده و همه‌پسند است و او را عامیانه‌نویس به شمار آورده‌اند. (راز‌آور)

۴. از ماتیلدا (ماتیلدا) سه ترجمه در دست است که خانم‌ها: شهلا طهماسبی، محبوبه نجف‌خانی و مهناز داوودی، این ترجمه‌ها را به انجام رسانده‌اند. (م)

5. Sykes

۶. B.F.G مخفف Big Friendly Giant است

که دو ترجمه از این کتاب به فارسی در دست است. اولی را خانم مهناز داوودی انجام داده که بیشتر نقدی بر ترجمه ایشان نوشته‌ام - و دومی، را خانم گیتا گرکانی ترجمه کرده.

می‌کنم. کلبه آن قدر کوچک بود که بیشتر به خانه یک عروسک می‌مانست تا خانه انسان. آجرهایی که کلبه از آن‌ها ساخته شده بود، کهنه و فرسوده بودند و رنگ‌شان قرمز رنگ و رو رفته بود. سفش، شیروانی خاکستری رنگ بود و دو پنجره کوچک در جلوی کلبه به چشم می‌آمد. هیچ کدام از این پنجره‌ها بزرگ‌تر از صفحات یک مجله نبودند. درختان بلوط بزرگی بر کلبه سایه افکنده بودند. گویی شاخه‌های تنومند بلوط‌ها، این ساختمان کوچک را تنگ در آغوش گرفته‌اند و شاید هم می‌خواستند آن را از بقیه دنیا پنهان نگهدارند.»

خانم هانی با «صدایی نسبتاً عجیب و آهسته» بخشی از شعر «در روستا خوابیدن» (In country sleep) سروده دایلان توماس (Dylan thomas) را از بر می‌خواند که «دخترم در دور و نزدیک می‌تازد»، اما نه از ترس گرگی که «به آرامی از کمینگاهش در پشت انبوه برگ‌ها می‌خزد بیرون... تا قلبت را برون آرد و در جنگل گلرنگ بخورد». ماتیلدا «که هرگز پیش از آن، هیچ شعر پر از احساس رمانتیکی را با صدای بلند نشنیده بود، عمیقاً به هیجان می‌آید اما اکنون تا حدودی نیز از کلبه می‌ترسد.»

این قطعه، مشابه تصاویری است که در آثار [برادران] گریم و یا هانس کریستین آندرسن دیده می‌شود. [این صفحه یادآور] خانه‌ای است که هیزمشکنی فقیر، با هانسل و گرتل، در آن زندگی می‌کردند؛ یعنی جایی که مادر بزرگ «هود، سوار کار سرخ پوش» زندگی می‌کرد و یا خانه‌ای که هفت‌کوتوله و سه خرس و بقیه در آن زندگی می‌کردند. این رخداد یا صحنه، به روشنی از دل افسانه‌های پریان بیرون کشیده شده.

«خانم هانی به پشت سرش نگاه کرد و صدا زد «عزیزم، همراه من بیا» و ماتیلدا از کوره راه به دنبال او راه افتاد.»

چنانچه ماتیلدا را کتابی [داستانی] مرکب از دوپاره [به ظاهر متناقض] بین گروتسک مضحک [از یک سو] و واقع‌گرایی شرارت بار [از سویی دیگر] بدانیم (اگر خانم ترانچپال کاریکاتوری هیولایی مردم آزار [سادبست] باشد، خانم هانی را باید به چه چیزی نسبت داد)، چند کتاب دیگر دال را نیز از همین گونه باید به شمار آورد. همان‌گونه که در «دنی، قهرمان جهان» (سال ۱۹۷۵) و یا «جادوگرها» نیز دیده می‌شود، هوش سرشار دال در طرح [درست] چیزی است که موضوع اصلی ادبیات کودک می‌تواند باشد؛ یعنی تأثیر عاطفی و کنایه [تلمیح]. شاید بهتر آن باشد که از هرگونه نتیجه‌گیری، از آن چه تاکنون گفته شده، بپرهیزیم، آیا جز آن است که نویسنده را سپر بلا کردن، از حیث روان‌شناختی نیز تأثیری ناچیز و درجه سوم دارد؟

مانند همیشه پی گرفتن و سخن گفتن از موفقیت شایان توجه دال نیز بی‌پهلو است. گذشته از همه این‌ها عنصر اساسی لایتجزای آزاد و مختار